

فهرست

۲	طلیعه
۴	فصل اول: واژه شناسی درک و مدرک
۹	فصل دوم: تحلیل فرهنگ موجود مدرک محوری
۱۷	فصل سوم: پیش بینی وسیله تشخیص درک افراد در جامعه مهدوی
۲۴	فصل چهارم: شیوه‌های پیشنهادی جهت عبور از مدارک رایج
۲۷	فصل پنجم: آفت شناسی جایگزینی قابلیت به جای مدرک

طلیعه

یکی از سوالات متداول انسان‌ها از یکدیگر بخصوص در موقعیت‌های اداری و رسمی، سوال در مورد مدرک تحصیلی است.

مدرک تحصیلی می‌تواند یکی از ابزارهایی باشد که میزان درک و فهم و توانمندی افراد را نشان دهد.

از آنجا که در ۱۰۰ سال گذشته، جایگاه مدرک تحصیلی یکی از شاخصه‌های فرهنگی رایج در جامعه شده، شایسته است جایگاه واقعی و حقیقی این موضوع مورد بررسی قرار گیرد.

متن حاضر با هدف بررسی جایگاه درک و مدرک در یک نظام تعلیم و تزکیه تحول طلب آماده گردیده است.

این متن برای مخاطبین زیر توصیه می‌شود:

۱. والدینی که دغدغه درک و مدرک فرزندشان را دارند؛
۲. دانش‌آموزان و دانشجویان و طلابی که در محیط‌های آموزشی رایج بین درک و مدرک، تعارض‌های گوناگونی مشاهده کردند؛

مدیران مراکز آموزشی اعم از مدرسه و مؤسسات تعلیم و تزکیه‌ای که در جستجوی تقویت درک مخاطبین خود هستند و در راستای تحول مدرسه و دانشگاه، اعطای مدرک بدون در نظر گرفتن درک لازم در مخاطب را ظلم به خود و مخاطب می‌دانند

در فصل اول این متن به واژه‌شناسی درک و مدرک پرداخته می‌شود و تعریف مختصری از مدرک رایج در جامعه با مدرک مطلوب در جامعه مهدوی ارائه می‌شود.

در فصل دوم فرهنگ موجود مدرک‌محوری مورد تحلیل قرار می‌گیرد و جایگاه دانش‌آموزان، دانشجویان، طلاب و دیگر اقشار جامعه نسبت به مدارک رایج بررسی می‌شود.

در فصل سوم به پاسخ این سوال پرداخته می‌شود که آیا وسیله‌شناسایی درک افراد در جامعه مهدوی چگونه خواهد بود؟

در فصل چهارم راهکارهایی برای کسانی که دغدغه اصلی خود را کسب مدرک نمی‌دانند ولی مقابله و مخالفتی نیز با کسب مدارک رایج ندارند، ارائه می‌گردد.

در فصل پنجم به آفات متصور برای جایگزینی قابلیت و مقبولیت به جای مدرک اشاره می‌گردد.

فصل اول: واژه‌شناسی درک و مدرک

مدرک، واژه‌ای پرکاربرد در فرهنگ جامعه ماست. در این فصل برآنیم واژه مدرک را از نظر لغوی و اصطلاحی بررسی کنیم و سپس واژه مدرک و تعریف اصطلاحی مدرک در جامعه امروز را بیان می‌کنیم.

در پایان این فصل فرضیه‌ای نیز مبنی بر تعریف مدرک در جامعه مهدوی تقدیم می‌گردد.

معنی لغوی مدرک:

مدرک از ریشه درک و بر وزن مفعل است. وزن مفعل برای معرفی مکان یا وسیله به کار می‌رود مثل معبد به معنی محل عبادت و مدرک به معنی وسیله درک.

معنی اصطلاحی واژه مدرک:

منظور از معنی اصطلاحی مدرک این است که معمولاً در فرهنگ رایج جامعه وقتی راجع به مدرک صحبت می‌شود و واژه مدرک به کار می‌رود، شنونده چه مصادیقی را در ذهن خود متصور می‌شود؟

بیشترین کاربرد مدرک در جامعه امروز مدارجی است که در ساختارهای رسمی آموزشی کشور به واجدین شرایط اعطا می‌گردد مثل دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس، دکتری

و....

معنی لغوی درک:

در لغت نامه دهخدا درک به معنای "فهم و دریافتن" است و در فرهنگ نامه عمید درک یعنی "دریافتن، پی بردن، رسیدن به چیزی یا حاجتی" می باشد.

در مفردات راغب درک را "حرکت و راه رفتن تدریجی" معنی نموده و در التحقيق فی لغات قرآن درک یعنی "رسیدن و احاطه کردن چه آنچه که احاطه می شود یا احاطه می کند مادی باشد چه معنوی باشد."

تعریف مدرک در جامعه امروز:

مدارج و نشانه هایی که بر اساس طی نمودن دوره های مشخص در موضوعات گوناگون توسط سازمانهای رسمی یا موسسه های قابل اعتماد به افراد داده می شود تا در جامعه مقبولیت داشته باشد.

توضیح واژگان تعریف فوق:

این تعریف ۵ رکن اصلی دارد که در ذیل به توضیح هریک اشاره می گردد:

(۱) **مدارج و نشانه ها:** هر مدرک را می توان معرف درجه و نشانه ای برای صاحب مدرک دانست. این نشانه ها و مدارج با عناوین مختلفی نام گذاری شده است مثل احکام مختلف رشته های ورزشی، نشانه های نیروهای نظامی، تأیید تحصیلی های مختلف ۱۲ سال آموزش و پرورش، فوق دیپلم، لیسانس، دکتری آموزش عالی، گواهینامه رانندگی و...

(۲) **طی نمودن دوره‌های مشخص:** هر مدرک با توجه به آموزش‌های مورد نیاز و یا توانمندی‌های مورد انتظار به افراد اعطا می‌شود. منظور از طی نمودن دوره‌های مشخص، گذراندن آموزش‌های لازم یا کسب تجربه یا ارائه توانمندی‌هاست به عنوان مثال طی کردن دوره‌های مختلف ورزشی، کسب تجربه در فعالیت‌های نظامی، گذراندن کلاس‌های درسی و آزمون‌های آن، عرضه نمودن مهارت رانندگی

(۳) **موضوعات گوناگون:** هر مدرک ممکن است معرف یک عرصه و رشته باشد. منظور از موضوعات گوناگون عناوین مختلفی است که نوع توانمندی صاحب مدرک را معین می‌کند مثلاً حکم‌های رشته‌های مختلف ورزشی، درجات نیروهای نظامی زمینی و هوایی و دریایی، رشته‌های ریاضی و تجربی و... در مدارس، رشته‌های مختلف دانشگاهی، گواهی‌نامه‌های رانندگی موتور سیکلت یا سواری و یا ماشین‌های سنگین دیگر.

(۴) **سازمان‌های رسمی و مؤسسات قابل اعتماد:** هر مدرک در صورتی معتبر است که توسط یک سازمان رسمی که مورد تأیید هر حکومت است به صاحب مدرک ارائه گردد. علاوه بر سازمان‌های دولتی ممکن است مؤسسات مردمی نیز با مجوزهایی که از مراکز دولتی می‌گیرند و بر اساس اعتمادی که در جامعه کسب می‌کنند مدرک‌های مختلف را به افراد اعطا نمایند مثل سازمان تربیت بدنی، ارتش و سپاه، راهنمایی رانندگی و...

۵) **در جامعه مقبولیت داشته باشد:** هر مدرک باعث می‌شود که افراد یا اشخاص حقیقی و حقوقی جامعه نسبت به صاحب مدرک اعتماد کنند. مقبولیت یافتن در جامعه برای صاحب مدرک به این معناست که ارائه‌کننده مدرک بتواند در بین دیگران مورد پذیرش قرار گیرد.

فرضیه ای از تعریف مدرک در جامعه مهدوی :

برای کسی که منتظر ظهور است شایسته است هنجارها و تعاریف واقعی و موجود در جامعه را به صورت دائمی با تعاریف متصور حقیقی در جامعه مهدوی مقایسه نمود. پس از اینکه تعریفی از مدرک در جامعه امروز بیان گردید سؤالات ذیل به ذهن متواتر می‌گردد:

در جامعه مهدوی؛

۱. از چه مدارج و نشانه‌هایی استفاده می‌گردد؟
۲. افراد برای اینکه مورد تأیید امام زمان خویش قرارگیرند چه دوره‌هایی را باید طی نمایند؟
۳. موضوعات متصور برای افراد گوناگون جامعه چگونه تعیین می‌گردد؟
۴. چه سازمان‌ها و نهادهایی حق مدرک دادن دارند یا ندارند؟
۵. قابلیت افراد چگونه ارزیابی می‌شود و مقبولیت افراد در جامعه تابع چه مؤلفه‌هایی می‌باشد؟

برای پاسخ به سؤالات فوق و یا نمونه‌های آن لازم است از برهان و علت و سیره و سخن معصومین (علیهم السلام) استفاده کنیم. به عنوان مثال سؤالات فوق را این گونه پرسیم که در زمان حکومت حضرت رسول (صلوات الله علیه و آله) و امام علی (علیه السلام)؛

۱. مردم چه مدارج و نشانه‌هایی را دریافت می کردند؟
۲. در چه صورت مردم از معصومین مدارج و نشانه دریافت می کردند؟
۳. معصومین چه موضوعاتی را به مردم ارائه می دادند؟
۴. تشکیلات و ساختاری که مردم زمان معصومین (علیهم السلام) را تأیید صلاحیت کند، چگونه بود؟

۵. قابلیت صحابه و مردم زمان حضرات معصومین (علیهم السلام) چگونه ارزیابی می شد و یاران مورد تأیید حضرات معصومین (علیهم السلام) چگونه در جامعه مقبولیت پیدا می کردند؟
- با تأمل در سؤالات فوق شاید بتوان فرضیه زیر را برای جایگاه مدرک در حکومت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) طرح نمود:

پس از ظهور، مردم به بلوغی رسیده‌اند که معرفت نسبت به معیارهایی که از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) خواش پیدا کرده‌اند، می توانند قابلیت افراد مختلف را تشخیص دهند به صورتی که سقیفه تکرار نشود و افراد دارای قابلیت صرفاً با ارائه خدمت به مردم در راستای اهداف و برنامه‌های امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) مقبولیت لازم در جامعه را پیدا می کنند.

فصل دوم: تحلیل فرهنگ موجود مدرک محوری

این فصل دارای سه گفتار است:

در گفتار اول به دلایل مردم برای مدرک گرایی اشاره می گردد؛

در گفتار دوم انحرافات و خطاها و سوءاستفاده‌هایی که از مدرک شده و می شود، ذکر می - گردد؛

در گفتار سوم نتیجه گیری می شود که موضع یک انسان فرهیخته در جامعه امروز نسبت به مدرک چه باید باشد؟

در این فصل هر جا کلمه "مدرک" به کار برده می شود منظور "مدرک اصطلاحی جامعه" است که معادل دیپلم، لیسانس و ... می باشد و منظور از واژه "مدرک" در این فصل وسیله حقیقی تشخیص درک نمی باشد (توضیح مدرک حقیقی در فصل سوم آمده است)

گفتار اول:

اگر از مراکزی که به دیگران مدرک می دهند و دانش آموزان و دانش جویان و طلابی که برای کسب مدرک دوره‌هایی را طی می کنند و والدینی که فرزندان خود را به کسب مدرک تشویق می کنند سوال شود که دلایل ارزشمندی مدرک در ذهن شما چیست یا به چه دلیل مدرک را ارزشمند می دانید؟ جواب‌های گوناگونی دریافت می کنیم از جمله :

۱. مدرک بالاتر نشان‌دهنده شأن اجتماعی بالاتر

در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که معمولاً هرکس مدرک بالاتری داشته باشد از جایگاه و منزلت بالاتری برخوردار است. مردم جامعه اگر بدانند کسی تحصیلات دانشگاهی بالاتری دارد بسیاری از تحقیقات دیگر راجع به معرفت و معنویت را از وی جویا نمی‌شوند. از این رو اگر مدرک داشته باشیم می‌توانیم در جامعه خود را یک سر و گردن بالاتر نشان دهیم.

۲. مدرک، لازمه استخدام رسمی و دولتی

نزدیک به یک قرن است که نظام آموزشی به صورت رسمی در کشور رایج گردیده است. در طول این مدت دولت‌های مختلف سعی داشته‌اند که مردم را به تحصیلات رسمی تشویق کنند. در این راستا هرگونه استخدام دولتی و رسمی منوط به ارائه مدرک‌های مرتبط است. به عبارت دیگر اگر کسی مدرک بالاتری داشته باشد امکان استخدام در مراکز رسمی و دولتی را بیشتر پیدا می‌کند. از این رو لازم است هرکس مقید باشد مدرک خود را ارتقا دهد.

۳. مدرک، وسیله‌ای برای کسب اعتماد

یکی از راه‌های اعتماد افراد به یکدیگر این است که بدانند شخص مدرک بالاتری دارد. فرهنگ رایج در مردم به گونه‌ای است که اگر قرار باشد امانتی را به یکی از دو نفری بسپارند که یکی مدرک دارد و دیگری ندارد معمولاً کسی ترجیح داده می‌شود که مدرک بالاتری دارد.

اگر دو نفر از یکی از افراد جامعه درخواست مشابهی داشته باشند معمولاً مردم کار کسی را راه می‌اندازند که مدرک بالاتری دارد چون به وی اعتماد بیشتری دارند.

۴. مدرک، معرف توانمندی

همه مردم قادر به تشخیص توانمندی افراد نیستند بنابراین لازم است مؤسسات رسمی به وسیله مدرک افراد توانمند را به مردم معرفی کنند. در جامعه ما مدرک نشانه این است که شخص، تحصیلاتی را داشته و به وی این امید می رود که نسبت به دیگران توانمندی بیشتری دارد. می توان گفت مدرک هر کس مهر تاییدی برای توانمندی های اوست.

۵. مدرک، کمک کننده برای طبقه بندی مشاغل

نظام حکومتی برای طبقه بندی مشاغل و نظم مورد انتظار خود و جامعه، لازم است مدارک و مدارجی را در جامعه برای مردم خود معرفی کند. همان طور که مردم از نظر اقتصادی، سنی و... متفاوتند و رشد هر کدام در این است که توانمندی اقتصادی بیشتری داشته باشند و یا عمر بیشتری کرده باشند در تحصیلات نیز شخصی که مدرک بالاتری داشته باشد از طبقه های برتر جامعه محسوب می شود.

۶. مدرک، اجر و پاداش تحصیلات

افرادی که زحمت کشیدند و تحصیلاتی را طی نموده اند لازم است که نشانه ای داشته باشد که آن نشانه، مدرک است.

همان طور که هر کس خدماتی انجام می دهد مزدی دریافت می کند کسی که مطالعاتی انجام می دهد و یا آموزش هایی را می بیند لازم است اجر زحماتی که برای کسب علوم متحمل شده است را در قالب مدرک دریافت کند.

۷. مدرک، وسیله سنجش علم و توانایی

برای هر چیزی وسیله سنجشی وجود دارد مثلاً برای اندازه‌گیری طول از متر و برای اندازه‌گیری مایعات از لیتر و ... استفاده می‌شود برای اندازه‌گیری میزان تحصیلات هر فرد نیز لازم است وسیله سنجش داشته باشیم که همان مدرک است.

گفتار دوم:

از جمله انحرافات و سوءاستفاده‌هایی که در جوامع امروزی از مدرک می‌شود شامل موارد زیر است:

۱. ارزش‌گذاری انسان‌ها براساس مدرک

به جای در نظر گرفتن توانمندی‌ها و مروت، معرفت و ویژگی‌های اخلاقی انسان، منحصرأ انسان‌ها به وسیله مدرک ارزش‌گذاری می‌شوند.

۲. اولویت‌بندی به مدارک بالاتر بدون در نظر گرفتن توانمندی‌ها

سازمان‌های رسمی مجبورند کسانی که مدرک بالاتری دارند و نمی‌توانند انسان‌های دارای توانمندی که مدارک بالاتر را ارائه کرده‌اند استخدام کنند.

۳. مدرک، وسیله قضاوت افراد بدون توجه به سوابق

به جای توجه به توانمندی و سوابق و نمونه فعالیت‌های افراد صرفاً با در نظر گرفتن مدرک، قابلیت افراد قضاوت می‌شود. قابلیت و توانمندی افراد مؤلفه‌های بسیار زیادی دارد که با مدرک قابل سنجش باشد.

۴. اعطای مدرک، بستری برای سود اقتصادی بعضی موسسه‌ها

موسسه‌ها و مراکزی در جامعه رشد کرده‌اند که با اعطای مدرک به افراد، سود اقتصادی می‌برند. (دادن مدرک، شغل شده است)

۵. مدرک، ابزاری برای قضاوت توانمندی‌ها

دولت خود را از قدرت تشخیص مردم برای شناسایی افراد توانمند محروم کرده و صرفاً با ارائه مدرک، قضاوت راجع به توانمندی افراد را صرفاً به مدرک سپرده است.

۶. هدف از تحصیلات، دریافت مدرک

به جای اینکه هدف از تحصیلات، چیزی باشد که موجب توانمندی می‌شود، هدف صرفاً کسب مدرک شده است.

۷. توجه به مدرک، مانع توجه به علم

به دلیل توجه زیاد به مدرک، از اینکه "علم نوری است که در قلب ساطع می‌شود" غفلت شده است.

۸. مدرک، عامل رزق و روزی

اصالت بخشی به مدرک به حدی غالب شده که عامل اصلی رزق و وسعت روزی در افراد، مدرک تلقی می‌شود.

۹. توجه به مدرک، مانع توجه به سودمندی علوم

سودمندی علوم به فراموشی سپرده شده و علمی مقبول‌تر است که زودتر تبدیل به مدرک شود و کسب علمی مقبولیت دارد که مدرک معتبرتری داشته باشد.

۱۰. مدرک، بستری برای فخر فروشی

داشتن مدرک یکی از زینت‌های دنیا شده است و عامل فخر فروشی است.

۱۱. مدرک، ابزاری برای سبقت افراد از یکدیگر

وسیله بودن مدرک تبدیل به هدفی شده است که افراد برای رسیدن به آن مسابقه می‌دهند.

۱۲. مدرک، جایگزین هدف متعالی انسانی

هدف متعالی انسان کسب معرفت است که جای خود را به مدرک داده است.

۱۳. مدرک، عامل طلبکاری افراد از جامعه

افرادی که مدرک دارند طلبکار جامعه و مؤسساتی هستند که مدرک به آنها داده است.

۱۴. مدرک، عاملی برای سطحی شدن علوم

با توجه به اینکه معمولاً در قبال آزمون مدرک داده می‌شود افراد بعد از گرفتن مدرک قادر به آزمون‌های خاص هستند و پس از آن قادر نیستند (ثبت علوم در حافظه کوتاه مدت افراد است)

گفتار سوم:

موضع یک انسان فرهیخته در جامعه امروز نسبت به مدرک چه باید باشد؟

با توجه به نگاه‌های مثبت و منفی جامعه نسبت به مدرک و نیز با توجه به سوءاستفاده‌هایی که از مدرک در جامعه صورت گرفته می‌توان نتیجه گرفت که نگاه، تعامل و نسبت یک انسان فرهیخته با مدرک بر اساس موارد زیر است:

۱. یک انسان فرهیخته دائماً با خود مرور می‌کند که توجهش به مدرک بت‌گونه است.

همانند توجه یک بت‌پرست به بتش!

انسان خودآگاه درحین بت‌پرستی در ضمیر خویش متوجه می‌شود که بت، یک واقعیت ناتوان است. از این منظر واقعیت است که یک وجودی را جلوی خود گذاشته و می‌پرستد و ناتوان از این منظر که می‌داند از این بت، کاری ساخته نیست.

یک انسان فرهیخته که ممکن است که به ناچار به سمت مدرک گرایش داده شده باشد این توجه را دارد که حداقل نگاه جامعه امروز به مدرک مثل نگرش بت پرست نسبت به بت است؛ در حالی که تمام کسانی که دنبال مدرک هستند و به ناکارآمدی آن واقفند اما گرایش عموم جامعه به سوی مدرک است. به میزانی که افراد جامعه به دنبال مدرک هستند نسبت به قابلیت افراد بی توجهی کرده‌اند.

خلاصه اینکه یک انسان فرهیخته دائماً در خویشتن مرور می‌کند که مدرک چقدر اعتبار حقیقی دارد؟ و چقدر به خاطر اعتبار جامعه، اعتبار یافته است؟

۲. یک انسان فرهیخته متوجه هست که انسان‌های زیادی وجود دارند که به رغم نداشتن مدرک معتبر از بهترین صاحب‌نظران به حساب می‌آیند و می‌توانند مورد اعتماد مردم باشند.

یک انسان فرهیخته کسانی را با شغل‌هایی در جامعه رصد می‌کند که به خاطر توانمندی و اعتمادی که بین مردم داشتند به مدارج عالی رسیدند اگرچه الزاماً دارای مدرک هم نیستند و به واسطه مدرک هم رشد نکرده‌اند.

۳. یک انسان فرهیخته توانمندی صاحبان مدرک را مورد بررسی قرار می‌دهد و افراد دارای مدرک را به واسطه مدرکشان قضاوت نمی‌کند. (همان‌طور که عموم مردم به صرف اینکه کسی مدرک پزشکی داشته باشد بدن خودشان را در اختیار او قرار نمی‌دهند بلکه پرس و جو می‌کنند و سوابق پزشکی‌اش را نظاره می‌کنند)

۴. یک انسان فرهیخته به صورت طبیعی امور مربوط به نیازهای روزمره خودش را به دست افراد توانمند و حاذق می‌سپارد و کمتر این خطر را می‌کند که اموراتش را صرفاً به افرادی که مدارک عالیه دارند، بسپارد. به عنوان مثال اگر قرار شد خودروی خودش را به یک تعمیرکار بدهد قبل از اینکه مدرک تعمیرکار را بپرسد، حاذق بودن و توانمند بودن تعمیرکار را از طریق توانمندی و سوابق کارش شناسایی می‌کند.

۵. یک انسان فرهیخته روی این سوال قضاوت منطقی دارد:
آیا فردی که دارای مدرک عالیه دانشگاهی و بدون سابقه کار باشد، در جامعه موفق‌تر است یا فردی که دارای سوابق قابل اعتماد و بدون مدرک است.

فصل سوم: پیش‌بینی وسیله تشخیص درک افراد در جامعه مهدوی

در این فصل برآنیم که جایگاه مدرک را در جامعه مهدوی پیش‌بینی کنیم همان‌گونه که در پایان فصل اول اشاره گردید در جامعه مهدوی انتظار می‌رود مردم به بلوغی رسیده باشند که معیارهایی از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) خویش معرفت پیدا کنند تا بتوانند قابلیت افراد مختلف را تشخیص دهند به صورتی که سقیفه تکرار نشود و افراد دارای قابلیت صرفاً با ارائه خدمت به مردم در راستای اهداف و برنامه‌های امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) مقبولیت لازم در جامعه را کسب کنند.

مطالب این فصل به سه قسمت اصلی تقسیم می‌شود:

- (۱) آیا امکان و اجازه پیش‌بینی جامعه مهدوی را داریم؟
- (۲) چگونه می‌توان جامعه مهدوی را پیش‌بینی کرد؟
- (۳) توانمندی افراد در یک جامعه ایده‌آل همچون جامعه مهدوی چگونه شناسایی، طبقه‌بندی و تأیید می‌گردد؟

(۱) امکان و اجازه پیش‌بینی جامعه مهدوی:

شناخت جامعه مهدوی برای کسانی که با فضیلت‌ترین اعمال زمان غیبت را انتظار فرج می‌دانند، یک ضرورت است. اما آیا چقدر می‌توانیم جامعه بعد از ظهور را پیش‌بینی کنیم و آیا با توجه به محدودیت‌های عملی و عقلی تا چه میزان اجازه داریم که پس از ظهور را به تصویر بکشیم؟

آیا انتظار فرج به معنی ایجاد تحولی است که نمی‌دانیم چگونه است یا به معنی حرکت به سمت آرمان‌هایی است که می‌دانیم به دست مبارک حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) محقق می‌شود؟

شیعیان به عنوان منتظران ایجاد عدالت پس از ظهور هم در توانایی و هم در دانایی فاصله بسیار زیادی تا دانایی‌ها و توانایی‌های زمان ظهور دارند و برای کاهش این فاصله دو دیدگاه کاملاً متفاوت متصور است:

(۱) فاصله با ظهور فقط توسط حضرت صاحب‌الزمان (عجل الله تعالی فرجه) برطرف می‌گردد و همان‌گونه که جامعه مملو از ظلم و جور می‌گردد و حضرت جامعه را از قسط و عدل پر می‌کنند ما شیعیان تا قبل از ظهور توانمندی ابتدایی برای ایجاد قسط و عدل نخواهیم داشت.

(۲) فاصله با ظهور توسط پشتیبان باید به حداقل برسد و در آستانه ظهور، شیعیان به چنان توانمندی و دانایی رسیده‌اند که می‌توانند مقدمات ظهور را فراهم کنند. در این دیدگاه عامل اصلی برای ظهور، مردم هستند.

با کمی تأمل در دو دیدگاه فوق به این نتیجه می‌رسیم که در هر یک از نظریه‌ها نوعی مطلق‌گرایی و نگاه افراطی وجود دارد. با شناختی که از انسان و سیره ائمه معصومین (علیهم السلام) داریم نظریه سومی را به عنوان میزان اثر بخشی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) و پشتیبان در وقوع ظهور معرفی می‌کنیم:

همه انسان‌ها بخصوص منتظران حقیقی برپا کننده عدالت، در تأخیر و تعجیل ظهور، نقش دارند ولی نقش آنها نقش مطلق نیست به این معنا که می‌توانند با اختیار خودشان شرایط و مقدمات ظهور را فراهم کنند و در غیر این صورت در مسیر رشد‌آمیز انسانی به فراز و نشیب‌هایی برخوانند خورد که به این خود باوری برسند که باید با اختیار خود شرایط ظهور را فراهم کنند.

نقش امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) در هر دو حالت مذکور به عنوان حجت خداوند، قطب و محور رویکردهای انسان‌های منتظر ایفا می‌شود.

دیدگاه فوق را با یک مثال تبیین می‌کنیم:

برای به نمایش در آوردن یک تأثیر، کارگردان نقش اصلی را دارد و بدون کارگردان برگزاری تأثیر متصور نیست.

ایفای نقش کارگردان در همه موارد از جمله تهیه و انتخاب متن، صحنه، هنرپیشگان، دعوت از تماشاچیان، عوامل پشت صحنه و اجرا، عواید حاصل شده از تأثیر ضروری و غیر قابل انکار است اما این نقش اساسی و مهم کارگردان به معنی بی‌نیازی تأثیر از هنرپیشگان نیست به نحوی که هر هنرپیشه‌ای حتی برای یک پلک زدن و یا یک تغییر لهجه در آفرینش تأثیر نقش دارد.

۲) نحوه پیش بینی جامعه مهدوی

حضرت محمد (صلوات الله علیه و آله):

المَهْدِي مِنْ وَلَدِي إِسْمُهُ إِسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خُلُقاً وَ خُلُقاً

مهدی از فرزندان من است اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است و او از نظر صورت و سیرت شبیه ترین مردم به من است. (بحار الانوار)

اعتقاد شیعیان بر آن است که نقشه اصلی که توسط حضرت رسول (صلوات الله علیه و آله) طراحی گردیده و توسط حضرت ام ابیها (سلام الله علیها) مجسم شد و به واسطه مولا امیرالمومنین علی (علیه السلام) پایه ریزی و به نمایش گذاشته شده توسط امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) به طور کامل اجرایی و عملیاتی خواهد شد. از این رو امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) مبتنی بر شریعت و عملکرد معصومین قبل از خود حکومت تشکیل می دهند برای پیش بینی جامعه مهدوی کافی است قرآن و زندگی حضرت رسول (صلوات الله علیه و آله) را دائماً بازخوانی کنیم و یقین داشته باشیم روش حکومت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) برگرفته از نقشه‌ای است که در قرآن تبیین و توسط حضرت رسول (صلوات الله علیه و آله) اجرا شده است. در این جا این سوال پیش می آید که عملکرد امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) طبق روش های حضرت رسول (صلوات الله علیه و آله) با توجه به پیشرفت و پسرفت هایی که از زمان صدر اسلام تا کنون و زمان ظهور رخ داده و خواهد داد چگونه است؟

آیا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) امکانات جامعه را به سطح جامعه حضرت رسول (صلوات الله علیه و آله) تبدیل خواهد نمود؟ مثلاً آیا وسایل ارتباطی و نقلیه رایج در زمان حضرت رسول (صلوات الله علیه و آله) مجدداً در زمان ظهور احیا خواهد گردید؟ و یا بشریت با تمام امکاناتی که از صدر اسلام تاکنون پیدا کرده است می‌تواند روش درست استفاده کردن از این امکانات را از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) فرا بگیرد؟

پاسخ این است که بر اساس آیه ۲۱ احزاب (لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه) و نیز بر اساس آیه ۱۴۳ بقره (... و یكون الرسول علیکم شهیداً)، حضرت رسول (صلوات الله علیه و آله) برای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) به عنوان یک اسوه و همیشه شاهد هستند چه بسا امکانات و روش آن‌ها در زمان ظهور به خاطر مغایرت با قرآن و عترت، متحول و دگرگون شود و نیز چه بسا امکانات و شیوه‌هایی که در زمان ظهور توسط امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) مهر تأیید خواهد خورد.

سوال پایانی در این فصل: ما به عنوان حلقه میانی بین صدر اسلام و دوران پس از ظهور چه نسبتی با حضرت رسول (صلوات الله علیه و آله) و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) داریم؟

پاسخ اجمالی اینکه: منتظران عدالت نسبت به امت زمان صدر اسلام توانمند تر و دارای امکانات بیشتر هستند و نسبت به زمان ظهور راه نرفته و اعمال صالح انجام نداده زیادی

دارند. بر این اساس وظیفه داریم باعبرت از گذشته، آینده را پیش بینی و خود را برای آن آماده نماییم.

(۳) شناسایی، طبقه‌بندی و تأیید قابلیت‌های افراد در جامعه مهدوی

در این قسمت از فصل برآنیم جایگاه مدرک حقیقی (تشخیص میزان درک دیگران توسط هریک از اعضای جامعه) را به تصویر بکشیم.

چه بسا در زمان پس از ظهور، عموم مردم به این آگاهی رسیده باشند که بدون در نظر گرفتن جایگاه اشخاص، شخصیت اشخاص را بشناسند.

چه بسا پس از ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه)، عموم مردم عامل به این کلام مولا علی (علیه السلام) شده باشند که: انظر الی ما قال و لا تنظر الی من قال.

چه بسا با ظهور حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه) جامعه منتظر تأیید مستقیم مصادیق توسط امام نباشد بلکه به توانمندی رسیده باشند که معیارها و مفاهیم را از ایشان گرفته و مصادیق را خود شناسایی کنند.

چه بسا بعد از دوران ظهور، همان گونه که همراهان مولا علی (علیه السلام) در جنگ جمل به فریب جایگاه رسمی فرمانده جبهه مقابل را نخوردند قادر باشند سره را از ناسره تشخیص دهند.

چه بسا در حکومت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) همان‌گونه که در جامعه فعلی برای سپردن جسم یک بیمار به جراح به مدرک دانشگاهی وی اعتماد نمی‌شود و مولفه‌های بسیاری برای پذیرش جراح مدنظر قرار می‌گیرد مردم آن جامعه نیز به دنبال اعطای یک برگه معرفی توسط امام به دیگران نیستند بلکه توسط امام شناخت و آگاهی لازم را پیدا کردند که اولاً بتوانند دیگران و محل‌های رجوع خود را بشناسند و ثانیاً خود را بدون نیاز به برگه معرفی به دیگران بشناسانند.

چه بسا در زمان ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) افراد پیرو حضرت به دنبال قابلیت باشند نه در پی مقبولیت.

چه بسا در زمان موعود مشک آن باشد که بگوید نه آنکه عطار بگوید.

فصل چهارم: شیوه‌های پیشنهادی جهت عبور از مدارک رایج

در این فصل برآنیم که راه‌های عبور از فرهنگ رایج مدرک‌گرایی را به فرهنگ توجه به قابلیت افراد معرفی کنیم به بیان دیگر در این فصل راه‌های متصور برای عبور از وضع موجود مدرک در جامعه به وضع مطلوب، تبیین می‌گردد.

این فصل می‌تواند مسیری را معرفی کند تا آنچه در فصل دوم بیان شد و به آنچه در فصل سوم آرزو می‌شود، رسید.

سه شیوه پیشنهادی در این فصل عبارت است از:

الف) دریافت مدرک رایج با حداقل فرصت‌گذاری

از آنجایی که فرصت‌گذاری برای دریافت مدرک به منزله اتلاف وقت می‌باشد در این شیوه، افراد می‌توانند دیون این که فرصت اصلی خویش را به مدرسه و دانشگاه بسپارند از مدارک ارائه شده مدارس و دانشگاه استفاده کنند به عنوان مثال جهت گرفتن دیپلم می‌توان از روش متفرقه، شبانه، از راه دور، بهره ببرند همچنین برای دریافت مدارک دانشگاهی می‌توانند از دانشگاه‌هایی که وقت اصلی دانشجو را در اختیار خودش قرار می‌دهد، استفاده کنند همچون دانشگاه‌های شبانه، پیام نور، بعضی از رشته‌های دانشگاه آزاد، علمی کاربردی، بعضی از دانشگاه‌های غیرانتفاعی.

(ب) دریافت مدارک معادل

راه دیگری که می‌توان از فرهنگ رایج مدرک محوری عبور نمود این است که به جای فرصت‌گذاری برای دریافت مدرک از گواهی‌های معادل مدرک استفاده نمود.

معمولاً در جامعه‌ای که مدرک محوری وجود دارد موقعیت‌هایی نیز معرفی می‌شود که افراد شایسته در آن موقعیت‌ها بتوانند بدون طی کردن مراحل کسب مدرک گواهی‌های معادل مدارک رایج را بدست آورند. در زیر به چند نمونه از این شایستگی‌ها اشاره می‌شود:

۱. حفظ قرآن: کسی که نیت خود را برای حفظ قرآن خالص و بی شائبه می‌نماید دلیلی ندارد که فرصت خود را به دریافت مدارک رایج تا حد لیسانس اختصاص دهد چرا که طبق قوانین موجود حافظ کل قرآن بدون داشتن لیسانس می‌تواند در آزمون فوق لیسانس شرکت نماید. بدیهی است اگر کسی به نیت استفاده از مدرک لیسانس، قصد حفظ قرآن را داشته باشد از اخلاص در نیت فاصله گرفته و در عمل نیز بعید است به مقام حافظ قرآن نائل شود و در حقیقت دین و دنیای خود را از دست داده است.

۲. استفاده از مراکز دارای مجوز برای گواهی مدرک: مراکز مختلفی وجود دارد که با ارائه دوره‌های متناسب با نیاز افراد مدارکی را عرضه می‌کند. استفاده از این مراکز فرصت مناسبی است که افراد بر حسب استعداد و رغبت‌های خویش، آن دوره‌ها را

طی کرده و مدارکی را دریافت نمایند. از جمله این مراکز می‌توان به سازمان فنی حرفه‌ای و یا جهاد دانشگاهی اشاره نمود.

پ) ارائه قابلیت‌های جایگزین مدرک

اگر دقت کنیم در جامعه‌ای که مدرک نشانگر توانمندی افراد است توانمندی افراد نیز می‌تواند به مرور زمان جایگزین مدرک گردد. برای عبور از فرهنگ تقدس مدرک در جامعه، یکی از راه‌های مناسب این است که افراد قابلیت‌های خود را به مخاطبین ارائه دهند. نمونه راهکارهایی که می‌توان قابلیت‌ها را به دیگران ارائه نمود عبارت است:

۱. ثبت اختراعات: برای کسانی که توانمندی کشف و اختراع دارند یک فرصت مناسب این است که ثبت اختراع خود را به عنوان جایگزین مدارک رایج و توانمندی خویش ارائه دهد.

۲. تألیف مقاله: از آنجا که تولید مقاله‌های علمی روشنگر جایگاه علمی افراد است یکی از راه‌هایی که کمک می‌کند افراد به جای اتلاف وقت در مسیر کسب مدرک به دنبال علم سودمند باشند این است که توانمندهای علمی خویش را در قالب تألیف و مقاله نویسی به جامعه علمی ارائه دهند.

۳. فعالیت‌های علمی که نیازی از جامعه مدرک پرست را برطرف نماید می‌تواند نشانگر قابلیت‌های فرد عامل باشد به صورتی که به جای ارائه مدرک نمونه توانمندی‌های خویش را عرضه کند.

فصل پنجم: آفت شناسی جایگزینی قابلیت به جای مدرک

در فصول گذشته پیرامون تعریف و تحلیل جایگاه مدرک در جامعه امروز و چگونگی جایگزینی قابلیت به جای مدارک رایج صحبت نمودیم با یک نتیجه گیری اجمالی از فصول گذشته می توان گفت موظفیم از طریق تقویت تعامل و ارتباط های انسانی، قابلیت های خود و جامعه را جایگزین مدرک کنیم. قدم نهادن در چنین عزم مهمی حتی اگر به صورت کاملاً متعادل و درست انجام گیرد ممکن است دچار آفت های گوناگون شود این آفت ها الزاماً به عنوان عیب و نارسایی جایگزینی قابلیت به جای مدرک نمی باشد و برای پیشگیری و جبران این آفت ها لازم است تدابیری اندیشیده شود.

در این فصل به تعداد هفت آفت از نمونه آسیب هایی که ممکن است به واسطه حذف مدرک در جامعه ایجاد شود اشاره می گردد و در پایان هر آفت حداقل یک راهکار جهت پیشگیری یا جبران آن بیان می شود.

آفات جایگزین قابلیت به جای مدرک :

۱. ایجاد و شکاف بین فرهیختگان حذف کننده مدرک و عوام جامعه

فرهیختگانی که سعی می کنند قابلیت افراد را جایگزین مدرک نمایند ممکن است به طور ناخواسته به عادت رایج مردم در جامعه مبنی بر تقدس مدرک بی احترامی کنند.

تقابل این فرهیختگان با عوام جامعه چه بسا باعث شکاف بین آنها شود و به عنوان یک آفت به حساب آید.

یکی از راهکارهای مهم برای پیشگیری و جبران این آفت ترویج فرهنگ و نگرش صحیح به مدرک در بین مردم است .

۲. مکتوم ماندن قابلیت افراد بدون مدرک

در جامعه‌ای که در طول چندین دهه، مهم‌ترین عامل تشخیص قابلیت افراد مدرک بوده است فضایی حاکم است که حتی اگر قابلیت در یک نفر دیده شود از او سراغ مدرک گرفته می‌شود در چنین جامعه‌ای افرادی که دارای توانمندی و قابلیت‌ها هستند ممکن است به واسطه نداشتن مدرک شناخته نشوند.

راهکار پیشنهادی برای این آفت این است که یا افراد دارای قابلیت خود را از دریافت مدارک رایج محروم نکنند و یا قابلیت‌های خود را با فعالیت‌های افراد دارای مدرک ضمیمه کنند.

۳. سوء استفاده افراد بدون مدرک

معمولاً برای هر روش صحیحی که ابداع می‌شود سوء استفاده گرانی وجود دارند که در پشت نقاب آن روش صحیح، مقاصد شخصی خود را دنبال می‌کنند. به عنوان مثال اگر

کارخانه‌ای محصول مطلوب و مناسبی به جامعه عرضه کند، افرادی هستند که عنوان آن کارخانه را جعل نموده و جنس نامرغوب خود را با آن نشانه به جامعه عرضه کنند.

راجع به ترویج قابلیت افراد در جامعه نیز ممکن است کسانی که نه مدرک دارند و نه قابلیت، خود را به عنوان افراد توانمند و دارای قابلیت به جامعه معرفی کنند.

راهکار این آفت آن است که مراجعه‌کنندگان به کسانی که قابلیت دارند آگاهی لازم را در چگونگی تشخیص قابلیت افراد داشته باشند.

۴. عدم ثابت‌قدمی افراد دارای قابلیت در مقابل حذف مدرک

با توجه به این که فرهنگ مدرک‌گرایی در ابعاد مختلف جامعه بخصوص سازمان‌های اداری و رسمی رسوخ کرده ممکن است با تقویت فرهنگ قابلیت همچنان پابندی به مدرک پایدار بماند و به صورت یک عادت اجتماعی درآید به‌طوری که افرادی که به دنبال تقویت قابلیت خویش هستند به مرور زمان به همان عادت رایج بسنده کنند و در پابندی به قابلیت خویش ثابت‌قدم نباشند.

برای این آفت چنین راهکاری پیشنهاد می‌شود که فلسفه جایگزینی قابلیت به جای مدرک ترویج زیادی پیدا کند به‌طوری که افراد قابلیت یافتن خویش را برای رشد و تعالی خویش بدانند نه صرفاً برای جایگزینی مدرک.

۵. حذف مشاغل تولیدکننده مدرک

با توجه به سابقه چندین ساله مدرک در جامعه شغل‌هایی به وجود آمده است که هدف و ابزار آن‌ها صرفاً ارائه مدرک می‌باشد. در صورتی که فرهنگ قابلیت جایگزین مدرک شود این شغل‌ها محکوم به نابودی هستند و می‌تواند یک آفت برای بسیاری از شاغلین باشد.

راهکار پیشنهادی این است که به مراکزی که صرفاً تولیدکننده مدرک هستند پیشنهادهای عملیاتی داده شود که قابلیت افراد را ارتقاء داده و بدین وسیله به حیات خود ادامه دهند. مثلاً اگر یک مرکز آموزشی بدون توجه به معلومات مورد نیازی که به مخاطبین خود عرضه کند صرفاً مبالغی از مراجعین دریافت و مدارکی به آن‌ها ارائه دهد لازم است امکاناتی در اختیار این مراکز قرار گیرد که ارائه علم سودمند به مخاطبین را جایگزین اعطای مدرک به آن‌ها کند.

۶. عدم مقبولیت افراد دارای قابلیت در جامعه

افرادی که مدرک ندارند ولی توانمندی لازم برای خدمت به جامعه را دارند با ابزارهای گوناگونی می‌توانند به جامعه معرفی شوند. از آنجا که یکی از ابزارهای مردم دوران مدرک‌گرایی ارائه مدرک به مراجعین و مخاطبین بوده ممکن است شخصی که توانمندی لازم برای خدمت به جامعه را دارد ولی به واسطه نداشتن مدرک محبوبیت لازم در جامعه را پیدا نکند.

برای پیشگیری و دفع این آفت می‌توان از راهکار مذکور در آفت سوم استفاده کرد.

۷. سردرگمی افراد برای پیدا کردن قابلیت

در جامعه کنونی گرفتن مدرک خیلی نیاز به استعداد و توانمندی درونی ندارد به عنوان مثال اگر کسی قصد اخذ مدرک دکتری داشته باشد تنوع رشته‌های مختلف در مقطع دکتری به قدری زیاد است که افراد گوناگون بتوانند به این مدرک دست پیدا کنند از این رو چه بسا افرادی که بدون در نظر گرفتن استعداد و قوه‌های درونی خویش مدرکی را که ارتباطی با تبع خودشان نداشته، دریافت کردند. این در حالی است که شرط لازم یافتن قابلیت در هر عرصه‌ای توجه به تبع و استعداد درونی نیز می‌باشد و اگر فرهنگ جایگزینی قابلیت به جای مدرک ترویج گردد ممکن است این آفت رخ دهد که افرادی که به دنبال توانمند کردن خویش هستند دچار سردرگمی شوند.

راهکار این آفت این است که اولاً کسب علم و معرفت و فن و مهارت بر اساس رغبت‌های درونی و نیاز اجتماعی باشد و ثانیاً نوجوانان و جوانان سعی در تقویت خویش در جویانگاه‌های مختلفی داشته باشند تا بتوانند عرصه لازم برای قابلیت خویش را بیابند.